

دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه جامعه‌شناسی - مقطع دکتری



# مدل تحلیل نهادی مستخرج از مقاله «اسیدپاشی به چهره اقتصاد ایران» (دکتر محسن رنانی)

کارنوشت درس جامعه‌شناسی صنعتی (دکتر اکبری قمصری)

کمال رضوی

# دولت‌های ۱+۵

## نواقض اتمی ایران ۱+۵

### نهاد اقتصاد

- نرخ وسیع بیکاری و تورم
- عمیق‌ترین رکود اقتصادی
- تهی‌شدگی منابع اقتصادی دولت
- حضور مخرب نظامیان در اقتصاد
- نااطمینانی در اقتصاد

احتمال بروز شورش‌های اجتماعی

افول سرمایه اجتماعی و دقایق اخلاقی

عدم تحول اقتصادی جدی در ایران

بی‌میلی کارآفرینان به سرمایه‌گذاری  
عدم مشارکت بخش خصوصی در تولید

ورود اقتصاد به فضای نااطمینان

گسترش بنجره‌های شگسته

### نهاد دولت

- فقدان شفافیت
- فقدان پاسخگویی
- عدم گردش آزاد اطلاعات
- فقدان حاکمیت قانون
- عدم اقتدار قوه مجریه در حکمرانی داخلی / ناتوانی در حذف نااطمینانی

فقدان حکمرانی شایسته

### شهروندان

- بی‌اعتمادی به دولت و نهادهای رسمی
- نااطمینان در زندگی اجتماعی
- انکاء غالب به عقلانیت معنایی به جای عقلانیت ابزاری

ضعف رسانه‌های آزاد

### جامعه مدنی

**نمونه‌های نمادسازی:**

- رجوع به تحولات نرخ ارز به عنوان شاخص توانایی مدیریت اقتصادی دولت
- رجوع به مصاحبه‌های نظامیان و خطبه‌های امامان جمعه علیه قوه مجریه به عنوان شاخص حمایت نظام از قوه مجریه
- رجوع به بی‌سرنوشت ماندن پرونده اسیدپاشی به عنوان شاخص ضعف قوه اجرایی و چندپارگی حاکمیت (دولت)
- مخالفت گروه فشار با دستور رئیس‌جمهور برای دفن ریچارد فرای به عنوان شاخص عدم اقتدار دولت در حکمرانی داخلی

زائل شدن اعتماد شهروندان  
رجوع به شواهد نمادین (نمادسازی)

مارینگگی جامعه ایران

جامعه ایران

جامعه ایران

جامعه ایران

# راهنمای مدل

نهادهای و عوامل

نهادهای؛ عوامل (کنشگران جمعی و فردی)

خصائص

خصائص یا صفات عوامل

رویدادها

رویدادها (events)

چند توجه:

- منظور از نهاد دولت، دولت به عنوان معادل State است که کلیت نظام سیاسی (حکومت) اعم از قوه اجرایی و ... را در بر می گیرد. در مواردی که دولت به معنای اخص کلمه مدنظر بوده، از تعبیر «قوه مجریه» استفاده شده است.
- رویدادهایی نظیر «نااطمینانی اقتصاد» و «زائل شدن اعتماد شهروندان» با تکرار و تداوم سبب بدل شدن «نااطمینانی»، «بی اعتمادی» و ... به خصیصه یا صفت نهاد اقتصاد یا شهروندان می شود (تبدیل رخداد به خصیصه در اثر تکرار و تداوم).
- در خصوص مارینگی جامعه ایران چون دکتر رنانی از تعبیر «به سوی جامعه مارینه» استفاده کرده است، از آن به عنوان رخداد یاد شده؛ می توان از آن به عنوان یک صفت یا خصیه جامعه نیز صحبت کرد، اما تعبیر «به سوی» شق اخیر را با احتیاط مواجه می کند.

# چند نکته تکمیلی (۱)

- مطابق آنچه لپسیوس گفته است، مطالعه ارتباط ساختاری بین نهادها یکی از ابعاد تحلیل نهادی را شکل می‌دهد و تحلیل نهادی تلاش می‌کند میدان تنش‌ها و چالش‌ها بین ساختار ارزش‌ها و رفتارها را توصیف کند. این توصیف از تحلیل نهادی به خوبی در مقاله مذکور هویدا است. مقاله نشان می‌دهد که چگونه میان شهروندان با نهادهای دولت و اقتصاد ارتباط متقابلی وجود دارد و خصائص و رویدادهای یک نهاد می‌تواند تاثیر مستقیم بر نهاد دیگر و شهروندان داشته باشد.
- اسر در توضیح تحلیل نهادی به مطالعه نظم اجتماعی در سطح جامعه و مکانیزم‌ها و فرایندهای آن اشاره کرده است. این توصیف از تحلیل نهادی نیز در کار آقای رنانی قابل رهگیری است. در این کار، سازوکارهای واسط در میان نهادهای دولت، اقتصاد و شهروندان که موجب بروز رویداد و شکل‌گیری صفات و خصائص نهادی و فردی می‌شود، مطرح شده که در قالب دیاگرام قبلی قابل ملاحظه است.

## چند نکته تکمیلی (۲)

- اما پرسش این است که کدام جنبه‌های تحلیل نهادی در کار آقای رنایی غائب است؟
- اگر مطابق تقسیم‌بندی رایج در جامعه‌شناسی، نهادهای اصلی جامعه را به چهار نهاد اقتصاد، دولت، خانواده و دین تقسیم کنیم (که تا حدود منطبق بر حوزه‌های چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی است) در این صورت ملاحظه می‌شود که کار آقای رنایی متمرکز بر تحلیل دو نهاد اصلی یعنی دولت و اقتصاد بوده است؛ هرچند اشاره‌های ایشان به اعتماد و سرمایه اجتماعی و آنچه در مدل در بخش مربوط به شهروندان و جامعه مدنی ذکر شده، در حوزه اجتماعی می‌گنجد. در این میان جایگاه فرهنگ (نهاد دین) غائب است. به میان آوردن حوزه فرهنگ و نهاد دین در این تحلیل می‌توانست پرسش‌هایی از این دست برانگیزد که کدام دسته باورها، ارزش‌ها، اعمال و سازمان‌یابی‌های مذهبی به عنوان میانجی میان نهاد اقتصاد و دولت عمل کرده و رابطه‌ی آنها را مختل یا تسهیل می‌کنند؟ نهاد دین با چه سازوکارهایی منجر به فقدان حکمرانی خوب در دولت می‌شود یا برعکس می‌تواند شکل‌گیری حکمرانی خوب را تسهیل کند؟ همچنین نهاد دین چگونه بر روابط اقتصادی تاثیر می‌گذارد؛ موجب تضعیف یا تقویت فرهنگ کار و تولید اقتصادی یا در مقابل، اقتصاد مصرفی و تجارت‌محور می‌شود؟ و سوال‌های متعددی از این دست که با افزوده شدن نهاد دین به تحلیل مذکور قابل طرح است.

## چند نکته تکمیلی (۳)

- سخن در مورد عناصر غائب تحلیل نهادی در مقاله مذکور را به فراتر از این نیز می‌توان برد. برای مثال اسر از لزوم مقایسه تمایزات نهادی جوامع با یکدیگر از تحلیل نهادی سخن گفته است. همچنانکه آوکی ماساهیکو نیز تحلیل نهادی را نیازمند اطلاعات تاریخی و مقایسه‌ای دانسته و تاکید دارد، تحلیل نهادی باید تاریخی و مقایسه‌ای باشد. همچنانکه جاناتان ترنر نیز بر «خصوصیت مقایسه‌ای» تحلیل نهادی تاکید کرده است.
- روشن است که کار آقای رنانی، مشتمل بر تحلیل نهادی مقایسه‌ای یا تاریخی نیست.
- با همه این اوصاف نباید از نظر دور داشت که آقای رنانی از ابتدا مدعی ارائه تحلیل نهادی نبوده است و فروتنی معرفتی در کار وی دیده می‌شود. جنبه‌های اصلی تحلیل نهادی نظیر در نظر گرفتن دو نهاد اصلی اقتصاد و دولت، روابط و چالش‌های متقابل نهادی میان این دو و میان آنها با شهروندان و سازوکارهای تاثیرگذاری متقابل به خوبی در کار دیده می‌شود؛ هرچند اگر بنا ایشان بر ارائه یک تحلیل نهادی مدون بود، طبعاً نیازمند لحاظ کردن چند نهاد اصلی دیگر و همچنین جهت‌گیری تاریخی - مقایسه‌ای به لحاظ روش‌شناختی نیز بود.